

## سرمایه گذاری در ایران

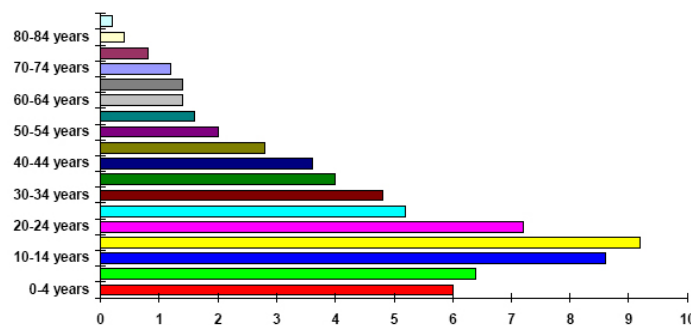
### شاخصهای اجتماعی

**جمعیت:** سالهای پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ شاهد رشد در جمعیت ایران بوده است. آخرین ارقام رسمی برای سال ایرانی که در اواخر ماه مارس ۲۰۰۱ پایان یافته نشان می دهد که نرخ رشد جمعیت اکنون به میزان ۱/۱ درصد تثبیت گردیده است. اندازه کنونی جمعیت به از مراکز آمار ایران تقریباً ۶۵/۵ میلیون نفر است. (شایان ذکر است که همان آمار که توسط مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد برآورده شده است از مرز ۷۰ میلیون نیز تجاوز می کند. گرچه پس از تماس با سازمان ملل متحد آنان می گویند که اکنون در حال بررسی این مغایرت می باشند.)

**جمعیت نگاری:** آنچه حائز اهمیت است این است که در ایران ۵۱٪ از جمعیت زیر ۲۰ سال دارند. این ساختار جمعیت شناسی به دولت ایران فشار می آورد تا اقتصاد ایران را به نحوی اصلاح کند که نیازهای نیروی کارگر آماده به کار در حال افزایش را برآورده سازد. با وجود اینکه در طی چند سال گذشته از نرخ رشد جمعیت کاسته شده است، بر اساس ساختار جمعیت شناسی این نرخ هنوز بالا است و بر اساس برخی از برآوردها جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰ به ۱۰۰ میلیون نفر بالغ خواهد شد.

کردار ذیل نشان دهنده توزیع جمعیت از نظر سنی بر اساس آمار سال ۱۹۹۶ که آخرین سال سرشماری ملی بوده است را نمایش می دهد.

Graph: Demographic Age-Distribution of Iran's Population (in million)



Source: Plan & Budget Organization

نمودار: توزیع سنی جمعیت ایران از نظر جمعیت شناسی (ارقام به میلیون نفر) منبع: سازمان برنامه و بودجه

شهرنشینی: پدیده جالب توجه دیگر افزایش شهرنشینی کشور است. ایران که از نظر سنتی یک جامعه روستایی بوده است، طی ۳۰ سال گذشته به یک جامعه جدید شهری تبدیل شده است. در سال ۱۹۵۶، ۶۹٪ از جمعیت در نواحی روستایی می زیستند. امروز ۶۳ درصد ساکن شهرها شده اند و پیش از ۵۰٪ از جمعیت شهری در محیط شهری رشد کرده اند. همراه با شهرنشینی، ایران نیازمند ایجاد نظامهای جدید و فرآورده های جدید و غیره می باشد.

سال			
۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	
۸۱	۷۲	۶۴	جمعیت (میلیون نفر)
۴۱	۳۶	۳۳	مذکر
۴۰	۳۶	۳۱	مونث
۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	وضعیت سنی (درصد از جمعیت)
۳۷	۴۰	۴۳	صفر تا چهارده سال
۵۸	۵۶	۵۲	۱۵-۶۴ سال
۳	۴	۴	بیشتر از ۶۵ سال
۲۰	۱۹	۱۸	میانگین سنی جوانان (سال)
٪۶	٪۷	٪۸	نسبت وابستگی جوانان
٪۱	٪۱	٪۱	نسبت وابستگی سالمندان
۴۸	۴۰	۳۴	جمعیت در سن کار (میلیون نفر)
۳۰	۲۴	۱۹	نیروی کار (میلیون نفر)

منبع: سازمان برنامه و بودجه

**قومیت ها:** موقعیت منحصر به فرد ایران در تقاطع عربستان، اروپا، ترکیه و آسیای مرکزی، موجب وجود قومیت‌های گوناگون در مرزهای آن شده است. اندکی بیش از نیمی از جمعیت منشاء پارسی دارند در حالی که یک چهارم از جمعیت ترک زبانهای از آذربایجان می باشند. گروه‌های بزرگی از کردها و اقلیت های کوچک تر، لر، بختیاری، عرب، ارمنی، ترکمن و بلوچ و نیز در برخی از نواحی زندگی می کنند. ایران چهار دین رسمی دارد: اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی.

### شاخص های اقتصاد کلان

**تولید ناخالص داخلی:** بدنبال کاسته شدن چشمگیر تولید بلافاصله پس از انقلاب و افزایش حائز اهمیت قیمت نفت در سال ۱۹۹۷، اقتصاد ایران رشدی متوسط تا سال ۱۹۸۵ را نشان می دهد. اما پس از آتش بس در سال ۱۹۸۸، پروژه های عظیم بازسازی و نوسازی، سیاست‌های پولی انبساطی و نرخ ارز گران قیمت، به همراه جیره بندی و کنترل قیمت‌ها به خارج شدن اقتصاد از روال طبیعی خود انجامید. رشد اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ که بخشی از آن به دلیل استقرار کوتاه مدت خارجی بود مجدداً آغاز شد. نیاز به بازپرداخت بدهی ها موجب محدودیت واردات کالاهای اساسی جهت نهاد تولیدی انجامید و موجب رشد ضعیف تر تولید خالص داخلی در اواسط دهه ۱۹۹۰ گردید. رشد تولید ناخالص داخلی تحت تأثیر قیمت های نازل نفت در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ قرار گرفت و در سال ۱۹۹۹ به دلیل کاهش صادرات نفت جهت انطباق با سهمیه سازمان اوپک و تأثیر خشکسالی، تولیدات کشاورزی صدمات بیتشری دید تا اینکه در سال ۲۰۰۰ صادرات افزایش یافت و قیمت‌های تثبیت شده نفت رشد تولید ناخالص ملی را برانگیخت.

تولید ناخالص ملی ایران در سال ۲۰۰۱ تقریباً ۱۰۷ میلیارد دلار و ۴/۸ درصد بیش از سال قبل بود. تولید سرانه ناخالص ملی در سال ۲۰۰۱ به ۶۳۱ دلار رسید. جدول ذیل نرخ رشد واقعی تولید ناخالص ملی ایران را در سالهای مذکور نمایش می دهد.

جدول : رشد تولید ناخالص ملی (۱۹۹۷-۲۰۰۱)

۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	
۶۶۲ و ۵۱۴	۵۶۷ و ۵۹۱	۴۲۸ و ۲۹۸	۳۲۴ و ۳۵۸	۲۸۰ و ۹۰۸	به قیمت های جاری (میلیون ریال)
۹/۱۰۶	۹۹	۷/۱۰۲	۲/۱۰۱	۱۰۱	به قیمت های جاری (میلیارد دلار)
۴/۸	۵/۷	۱/۶	۹/۳	۴/۳	رشد واقعی تولید ناخالص ملی (درصد)
۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	
					رشد سرانه:
۱۰-۱۱۵	۸ و ۹۶۷	۶ و ۶۷۰	۵ و ۵۰۰	۴ و ۵۴۵	به قیمت های جاری (هزار ریال)
۱ و ۶۳۱	۱ و ۵۶۵	۱ و ۵۹۹	۱ و ۵۷۵	۱ و ۶۳۵	به قیمت های جاری (دلار)

منبع: بانک مرکزی

۱۹۷ و ۸۳۴	۱۷۲ و ۰۸۹	۱۳۱ و ۴۱۷	۹۸ و ۷۱۱	۸۲ و ۰۳۵	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
(%/۲۹/۸)	(%/۳۰/۳)	(%/۳۰/۷)	(%/۳۰/۴)	(%/۲۹/۲)	
۵۶ و ۵۴۹	۲۱ و ۷۶۴	۱۲ و ۹۹۱	۲ و ۰۱۲	۱۲ و ۲۱۲	تغییر در موجودیها
(%/۸/۵)	(%/۳/۸)	(%/۳/۰)	۹%/۰/۶)	(%/۴/۳)	
۶۵۳ و ۸۶۶	۵۳۳ و ۶۳۰	۳۹۸ و ۸۴۱	۳۳۱ و ۲۱۶	۲۷۴ و ۷۳۱	تقاضاهای داخلی
(%/۹۸/۴)	(%/۹۳/۹)	(%/۹۳/۰)	(%/۱۰۲/۰)	(%/۹۷/۷)	
۱۰ و ۹۱۳	۳۴ و ۵۶۷	۲۹ و ۸۹۸	۶ و ۴۲۰	۶ و ۳۴۳	صادرات خالص کالاها و خدمات
(%/۱/۶)	(%/۶/۱)	(%/۷/۰)	(%/۲)	(%/۲/۳)	
%/۴/۴	%/۴/۸	%/۱/۱	%/۶/۸	%/۲/۷	مصرف شخصی
%/۱/۳	%/۱/۹	%/۱/۸	%/۵/۶	%/۳/۲	مصرف عمومی
%/۹/۹	%/۸/۳	%/۷/۸	%/۳/۹	%/۰/۲	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

جدول ذیل نشان دهنده تولید ناخالص ملی به قیمت های جاری و رشد واقعی تولید ناخالص ملی (با استفاده از روش هزینه) و نیز به درصد در دوره مذکور می باشد:

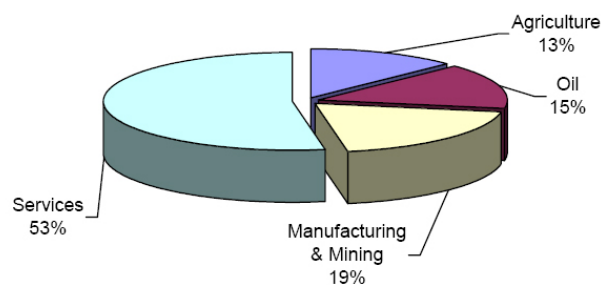
میلیارد ریال	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
مصرف شخصی	۱۳۹ و ۹۶۹ (٪.۴۹/۸)	۱۸۰ و ۳۲۷ (٪.۵۵/۵)	۲۱۹ و ۰۳۰ (٪.۱۵/۱)	۲۵۹ و ۹۷۵ (٪.۵۴/۸)	۳۰۲ و ۲۶۴ (٪.۵۴/۵)
مصرف عمومی	۴۰ و ۵۱۶ (٪.۱۴/۴)	۵۰ و ۱۶۶ (٪.۱۵/۴)	۶۱ و ۳۸۵ (٪.۱۴/۳)	۷۹ و ۸۰۲ (٪.۱۴/۰)	۹۷ و ۲۱۹ (٪.۱۴/۶)

جدول: تفکیک تولید ناخالص ملی ۱

منبع بانک مرکزی

**توزیع تولید ناخالص ملی:** ساختار تولید ناخالص ملی ایران هنوز به وسیله آمار نفت تعیین می شود. دولت در نقش دریافت کننده در آمد نفت خام، دست اندرکار مسلط اقتصادی است. سهم نفت در تولید ناخالص ملی از میزان ۴۰-۳۰ درصد در دهه ۱۹۷۰ به سطوح اخیر میان ۱۰ تا ۲۰ درصد رسیده است و این عمدتاً به دلیل سیاست اتخاذ شده در آغاز انقلاب در راستای کاهش تولید و صادرات و تنوع بخشیدن به پایه تولیدی کشور و نیز کاهش سرمایه گذاری در بخش نفت بوده است. اما به هر حال امروز نیز صادرات نفت نزدیک به ۸۰ درصد از درآمدهای صادراتی و تقریباً نیمی از درآمد دولت بالغ می شود. در نتیجه این بخش اولی ترین دریافت کننده سرمایه گذاری خارجی و داخلی است. ایران در حال حاضر در حدود سهمیه تعیین شده از سوی اوپک نفت تولید می کند. نمودار زیر نمایش دهنده تفکیک بخشهای کلیدی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۱ می باشند و نشان می دهند که امروزه ایران دارای اقتصادی بسیار متنوع است.

Graph: GDP Breakdown 2



Source: Statistical Center of Iran

جدول ذیل نشان دهنده تفکیک شعبات مختلف بخش خدمات در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۱ می باشد.

جدول تفکیک تولید ناخالص ملی ۳:

بخش خدمات	سهم (%)
تجارت، رستورانها و هتل ها	۱۴/۳٪
مستغلات و خدمات حرفه ای	۱۳/۹٪
خدمات عمومی	۱۱/۴٪
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۹٪
خدمات اجتماعی، شخصی و خانوادگی	۲/۵٪

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ذیل نشان دهنده تولید ناخالص ملی به تفکیک بخشهای اقتصادی به قیمتهای جاری و سهم آنان به درصد در سالهای مذکور:

جدول تفکیک تولید ناخالص ملی ۴:

میلیارد ریال	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
کشاورزی	۴۰ و ۳۴۱ (٪.۱۴/۴)	۵۶ و ۳۶۴ (٪.۱۷/۴)	۶۴ و ۱۴۰ (٪.۱۵)	۷۷ و ۱۵۹ (٪.۱۳/۶)	۸۹ و ۱۲۵ (٪.۱۳/۵)
نفت	۴۰ و ۷۲۵ (٪.۱۴/۵)	۲۷ و ۹۵۲ (٪.۸/۶)	۶۲ و ۸۳۹ (٪.۱۴/۷)	۱۰۱ و ۰۵۵ (٪.۱۷/۸)	۱۰۰ و ۲۶۲ (٪.۱۵/۱)
تولید و معادن	۵۵ و ۹۰۰ (٪.۱۹/۹)	۶۱ و ۸۸۰ (٪.۱۹/۱)	۸۱ و ۱۱۶ (٪.۱۹/۱)	۱۰۷ و ۶۱۵ (٪.۱۹/۰)	۱۳۳ و ۴۵۶ (٪.۲۰/۱)
معادن	۱ و ۵۲۲ (٪.۰/۵)	۱/۹۱۴ (٪.۰/۶)	۲ و ۳۹۸ (٪.۰/۵)	۲ و ۹۴۳ (٪.۰/۵)	۳ و ۶۶۷ (٪.۰/۵)
تولید	۳۸ و ۹۵۱ (٪.۱۳/۹)	۴۳ و ۹۶۰ (٪.۱۳/۵)	۵۷ و ۹۲۴ (٪.۱۳/۵)	۷۵ و ۷۵۸ (٪.۱۳/۳)	۹۴ و ۷۷۳ (٪.۱۴/۳)
برق، گاز و آب	۲ و ۸۹۲ (٪.۱/۰)	۳ و ۴۰۱ (٪.۱/۰)	۴ و ۱۹۴ (٪.۱/۰)	۷ و ۲۱۹ (٪.۱/۳)	۸ و ۵۹۲ (٪.۱/۳)
ساختمان	۱۲ و ۶۲۵ (٪.۴/۵)	۱۲ و ۶۰۶ (٪.۳/۹)	۱۷ و ۳۰۱ (٪.۴/۰)	۲۱ و ۶۹۵ (٪.۳/۸)	۲۶ و ۴۲۴ (٪.۴/۰)
خدمات	۱۴۷ و ۲۳۹ (٪.۵۲/۴)	۱۸۲ و ۲۱۱ (٪.۵۶/۲)	۲۲۶ و ۰۸۳ (٪.۵۲/۸)	۲۹۱ و ۳۰۱ (٪.۵۱/۳)	۳۵۲ و ۹۰۱ (٪.۵۳/۳)
بازرگانی، رستورانها و هتل ها	۴۵ و ۸۸۸ (٪.۱۶/۳)	۵۳ و ۶۴۰ (٪.۱۶/۵)	۶۷ و ۰۳۶ (٪.۱۵/۶)	۸۲ و ۹۶۰ (٪.۱۴/۶)	۹۴ و ۷۸۷ (٪.۱۴/۳)
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۲۳ و ۶۰۷ (٪.۸/۴)	۲۶ و ۰۸۸ (٪.۸/۰)	۳۰ و ۶۱۹ (٪.۷/۱)	۴۷ و ۳۸۵ (٪.۸/۳)	۵۹ و ۹۷۰ (٪.۹/۰)
خدمات موسسات مالی و پولی	۳ و ۱۴۰ (٪.۱/۱)	۴ و ۶۹۴ (٪.۱/۴)	۷ و ۰۰۶ (٪.۱/۶)	۱۰ و ۴۵۶ (٪.۱/۸)	۱۴ و ۵۰۲ (٪.۲/۲)

خدمات حرفه ای و مستغلات	۳۵ و ۷۰۱ (٪۱۲/۷)	۵۰ و ۲۰۴ (٪۱۵/۵)	۶۲ و ۴۹۹ (٪۱۴/۶)	۷۴ و ۷۵۶ (٪۱۳/۲)	۹۱ و ۸۷۵ (٪۱۳/۹)
خدمات عمومی	۳۲ و ۰۸۸ (٪۱۱/۴)	۳۹ و ۳۱۷ (٪۱۲/۱)	۴۷ و ۷۱۸ (٪۱۱/۱)	۶۱ و ۷۴۰ (٪۱۰/۹)	۷۵ و ۴۸۰ ۹٪۱۱/۴)
خدمات خانوارها، شخصی و اجتماعی	۶ و ۸۱۴ (٪۲/۴)	۸ و ۲۹۶ (٪۲/۵)	۱۱ و ۲۰۴ (٪۲/۶)	۱۴ و ۰۰۵ (٪۲/۵)	۱۶ و ۲۸۷ (٪۲/۵)
عوارض خدمات بانکی	۳ و ۳۸۶ (٪۱/۲)	۴ و ۰۴۹ (٪۱/۲)	۶ و ۵۸۰ (٪۱/۵)	۹ و ۵۳۹ (٪۱/۷)	۱۳ و ۲۳۱ (٪۲/۰)
جمع	۲۸۰ و ۹۰۸ (٪۱۰۰)	۳۲۴ و ۳۵۸ (٪۱۰۰)	۴۲۸ و ۲۹۸ (٪۱۰۰)	۵۶۷ و ۵۹۱ (٪۱۰۰)	۶۶۲ و ۵۱۴ (٪۱۰۰)

منبع بانک مرکزی

در سال ۱۹۹۷ تولید ناخالص ملی واقعی به میزان ۳/۴٪ رشد کرد که منعکس کننده افزایش ملایم در بخش غیر نفتی و کاهش عمده ای در بخش نفت به علت کاهش قیمت های جهانی نفت است. در سال ۱۹۹۸ تولید ناخالص ملی واقعی به میزان ۳/۹٪ رشد کرد که عمدتاً به دلیل رشد در بخشهای کشاورزی و خدمات بوده است و نفت تنها رشد اندکی داشته و رشد تولید معادن تقریباً معادل صفر بوده است. در سال ۱۹۹۹ رشد ناخالص ملی داخلی معادل ۱/۶٪ بود. بخش تولید معادن به میزان ۱۰/۶ درصد رشد کردند و این بدلیل افزایش فعالیتهای ساختمانی بود. بخش خدمات رشدی معادل ۳/۸ درصد به دلیل افزایش در حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات تجربه کرد. در سال مورد نظر بخش نفت رشدی منفی معادل ۶٪ را نشان می دهد و کشاورزی نیز رشدی منفی معادل ۹/۴٪ به دلیل خشکسالی در بخشهای جنوب شرقی و شرق کشور به نمایش می گذارد. در سال ۲۰۰۰ تولید ناخالص ملی واقعی به میزان ۵/۷٪ رشد کرد و در این سال بخش نفت رشدی معادل ۴/۸٪ را تجربه کرد که به دلیل افزایش تولید در رابطه با سهمیه اوپک بود و قیمتها تقویت شدند. تولید و ساختمان و خدمات نیز رشدی قابل ملاحظه را نشان می دهند. در سال ۲۰۰۱ تولید ناخالص ملی واقعی



به میزان ۵/۷٪ رشد کرد در حالی که تولید و ساختمان به ترتیب ۱۰٪ و ۱۲/۳٪ رشد کردند. بخشهای کشاورزی و خدمات نیز هر یک تقریباً ۵٪ رشد نشان می دهند در حالی که بخش نفت کاهشی معادل ۸/۴٪ نشان می دهد که منعکس کننده کاهش تولید در راستای سهمیه توافق شده اوپک بوده است تا قیمت را تثبیت شده نگاه دارند.

بخش صنعتی غیر نفتی از عدم اطمینان در مورد فرایند خصوصی شدن صدمه دیده است. علاوه بر آن کاهش واردات در طول بیشتر دهه ۱۹۹۰ نیز به آن صدمات بیشتری وارد کرد زیرا ایران سعی در حفظ ذخیره ارزی جهت باز پرداخت تعهدات بدهیهای خارجی خود کرده بود.

در سال ۲۰۰۱ رشد عمده ترین چهار بخش کمک کننده به تولید ناخالص ملی عبارت از ساختمان سازی، تولید، بازرگانی و حمل و نقل بوده است که همراه با یکدیگر رشدی معادل ۴/۱٪ در تولید ناخالص ملی را موجب شده اند.

جدول ذیل رشد تولید ناخالص ملی واقعی (به قیمت های ثابت سال ۱۹۹۰) جهت دوره مذکور به نمایش می گذارد.

جدول تفکیک تولید ناخالص ملی ۵

رشد واقعی تولید ناخالص ملی	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
نفت	۵/۳	۲/۲	۶/۰	۸/۴	۸/۴
بخش غیر نفتی	۴/۷	۴/۰	۲/۳	۵/۵	۶/۰
کشاورزی	۳/۵	۶/۲	۹/۴	۲/۸	۴/۷
تولید و معدن	۵/۴	۰/۱	۱۰/۶	۷/۴	۱۰/۴
خدمات	۵/۱	۴/۵	۸/۳	۵/۶	۴/۸
تولید ناخالص ملی	۳/۴	۳/۹	۱/۶	۵/۷	۴/۸

ماخذ: بانک مرکزی

نرخهای رشد در بخش نفت گهگاه به نحوی عمده تحت تاثیر تغییرات در قیمت‌های بازار وسطوح تولید در هماهنگی با سهمیه مورد تجدید نظر از جانب اوپک بوده است. در بخش غیر نفتی، سرمایه گذاری دولتی در کشاورزی و تولید فرآورده های متنوع تر جهت صادرات موجب رشد چشمگیری در این بخش در بیشتر سالهای دهه ۱۹۹۰ بود، گرچه خشکسالی در سال های متوالی در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ موجب انقباض واقعی در این بخش در سال ۱۹۹۹ شد در سالهای بعد رشد را محدود کرد. بخش تولید و معادن در سالهای اخیر به نحوی بارز رشد کرده است و این رشد عمدتاً به دلیل افزایش فعالیتهای ساختمانی و افزایش واردات مواد اولیه بوده است. بخش خدمات نیز با رشدی متوازن در سالهای اخیر روپرو بوده است اما تحت تاثیر محدودیتهای نرخ تبدیل ارز، دیوانسالاری زیاده از حد و برنامه ریزی بلند مدت نامطمئن برای سالهای بعد قرار گرفته است.

**تورم:** تورم در ایران که با شاخص قیمت های مصرف کننده در مناطق شهری محاسبه می شود از سال ۱۹۹۱ در ارقام دو رقمی بوده است و در سال ۱۹۹۵ تقریباً به اوج خود یعنی ۵۰ درصد رسیده است. در سالهای اخیر، انبساط پولی جهت جبران کسری بودجه، استهلاک نرخ مبادله در بازار، از میان برداشتن برخی از یارانه ها و محدودیت واردات تماماً به افزایش قیمت ها کمک کرده است. در سال ۱۹۹۷، میانگین نرخ سالانه تورم معادل ۱۷/۴ درصد بوده است. این رقم با اندکی تنزل در سال ۱۹۹۸ به ۱۸/۱ درصد و در سال ۱۹۹۹ به ۲۰/۱ درصد رسید تا اینکه در سال ۲۰۰۰ شدیداً تنزل کرده و به ۱۲/۶٪ رسید و این منعکس کننده بهبود در اوضاع اقتصادی و افزایش اعتماد عامه مردم به ثبات در اقتصاد به همراه اجرای سیاستهای غیر انبساطی ( انقباضی) پولی و مالی بوده است. در سال ۲۰۰۱ کاهش در نرخ تورم ادامه یافت و در آخر سال به ۱۱/۴ درصد رسید.

انتظار می رود اصلاحات در نرخ تبدیل ارز در مارس سال ۲۰۰۲ اثرات تورمی به همراه داشته باشد. این امر به این دلیل است که تامین مالی دولت به نحوی طراحی شده که یارانه های ضمنی را با یارانه های صریح جایگزین کند تا اطمینان حاصل شود که در قیمت‌ها افزایشی حاصل نخواهد شد. علاوه بر آن انبساط مالی قابل توجهی در کار نخواهد بود زیرا دولت تصمیم دارد که هزینه های روبرو افزایش تعهدات بدهیهای خارجی خود را تامین کند.

دولت همزمان با یکسان سازی نرخ تبدیل ارز، کاهش در تعرفه های گمرکی را نیز جهت خنثی کردن اثرات چنین یکسان در بالا رفتن قیمت واردات به اجرا گذاشته است. اما این امکان وجود دارد که جبران کسری بودجه، اگر هدفهای درآمدی بلند پروازانه معین شده در بودجه سال ۲۰۰۲ محقق نشوند، موجب بالارفتن نرخ تورم گردند.

**دستمزدها:** در مورد دستمزدها آمار محدودی وجود دارد. جدول ذیل نشان دهنده شاخص مرزها و حقوقها و مزایا برای کارگران ساختمانی در بخش خصوصی است که توسط بانک مرکزی تهیه شده است.

هر ساله شورای عالی کار حداقل دستمزد قانونی را تعیین می کند. در شرایط واقعی حداقل قانونی دستمزد از ۹۱۹،۲۴۲ ریال در ماه در سال ۱۹۹۶ به ۴۰۵،۳۲۰ ریال در ماه در سال ۲۰۰۱ افزایش پیدا کرده است. حداقل دستمزد قانونی برای سال ۲۰۰۲ را ۷۰۰/۰۰۰ ریال در ماه تعیین شده است.

جدول: دستمزدها (۱۹۹۸-۲۰۰۲)

۲۰۰۱	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	رشد واقعی تولید ناخالص ملی
۱۶۳/۳	۱۴۶/۶	۱۳۳/۴	۱۱۸/۱	۱۰۴/۱	شاخص (۱۹۹۷=۱۰۰)

منبع: بانک مرکزی

**بیکاری:** نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۱ معادل ۱۵/۷ درصد بود. در سالهای اخیر، در نواحی شهری در مقایسه با نواحی روستایی نرخ بیکاری میان کارجویان مونث نسبتاً بالاتر است. بسیار محتمل است که ارقام رسمی بیکاری وضعیت واقعی را بدلیل روش شناسی مورد استفاده در سنجشها کمتر و پایین تر از وضع واقعی نمایش دهند.

براساس جدیدترین سرشماری کل جمعیت ۱۰ سال به بالا در ایران تقریباً ۴۵ میلیون نفر بوده که از این میان میزان جمعیت فعال از نظر اقتصادی ۱۶ میلیون نفر است ( این رقم در دسامبر ۲۰۰۱ به ۱۸/۶ میلیون نفر افزایش یافته است). ۲۹ میلیون نفر جمعیت باقیمانده تحت عناوین دانش آموز و دانشجو، خانه دار (تمامی زنان و مردانی که محصل نبوده و از نظر

اقتصادی فعال نیستند) یا دریافت کنندگان درآمد ( کسانی که محصل نبوده و از نظر اقتصادی فعال نبوده و خانه دار نیز نیستند، اما به نحوی از درآمد بازنشستگی و سایر انواع درآمد استفاده می کنند) طبقه بندی می شوند.

اشتغال در میان افراد فعال اقتصادی ( کسانی که بیش از ده سال دارند و شاغلند و یا بیکارند ولی بدنبال اشتغال هستند) ۸۶/۹٪ در سال ۱۹۹۷ بوده است. این رقم در سال ۱۹۹۸ به ۸۷/۵ درصد رسید اما در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به ترتیب به ۸۶/۵ درصد و ۸۵/۸ درصد تنزل کرد. نرخ اشتغال در میان جمعیت مذکر اندکی بالاتر است و در سالهای اخیر در نواحی روستایی در مقابل نواحی شهری این امر صادق بوده است. احتمال دارد که ارقام رسمی به دلیل روش شناسی مورد استفاده در سنجشها میزان اشتغال را بیشتر از وضعیت واقعی آن نشان دهد.

تقریباً نیمی از جمعیت ایران در آخرین سرشماری انجام شده زیر بیست سال داشتند- واقعیتی که انتظار می رود در آینده فشار زیادی به نرخ اشتغال وارد سازد. دولت سعی کرده است که این معضل را با تامین مالی پروژه های اشتغال از و اجرای عملیاتی در راستای افزایش تولید و سرمایه گذاری حل کند. در سال ۲۰۰۱، قانون بودجه مبلغ یک میلیارد دلار آمریکا را از صندوق ذخیره ارزی از منشاء فروش نفت به بخش خصوصی و تعاونی در راستای تولید و سرمایه گذاری اختصاص داده است و علاوه بر آن یک میلیارد دلار دیگر برای پروژه های اشتغال را اختصاص یافته است.

به رغم این ابتکارها، قانون کار موجود فسخ قراردادهای کار موجود را بسیار مشکل می سازد و مجموع هزینه های مالیات و بیمه های اجتماعی اشتغال تقریباً معادل دو سوم حقوق هر کارمند است.

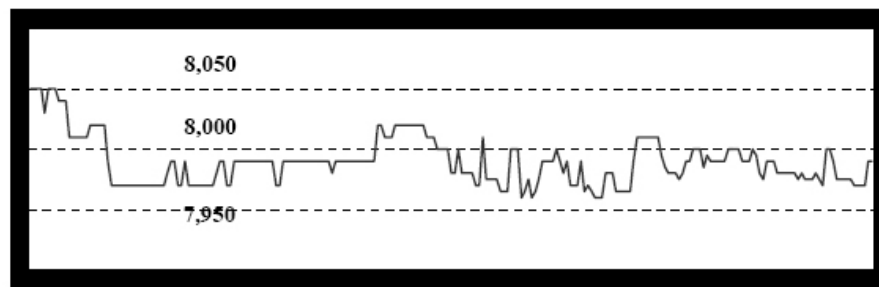
**بدهی خارجی:** در سال ۲۰۰۱ بدهی خارجی ایران تقریباً برابر با ۸ میلیارد دلار بود که معادل ۷ درصد تولید ناخالص ملی است و نشان از یک اقتصاد سالم دارد.

**ذخائر خارجی:** ذخائر خارجی ایران عمدتاً از موجودیهای ارزی آن تشکیل می شود که در سالهای اخیر به دلیل ایجاد صندوق ذخیره ارزی از منشاء فروش نفت به نحوی چشمگیر افزایش یافته است. ذخایر خالص خارجی کشور ۱۲/۶ میلیارد دلار است. این ذخایر در سالهای اخیر رشد کرده اند و نشان دهنده بهبود درآمدهای نفتی و کاهش در پرداخت

تعهدات بدهی های خارجی است، زیرا بدهیهای خارجی دوباره برنامه ریزی شده و پرداخت شده اند.

نرخ ارز: نظام نرخ ارز در ایران بر مبنای نظامی چند لایه قرار داشت که در آن شرکتهای دولتی و نیمه دولتی از نرخ ترجیحی استفاده می کردند و بنابراین فضایی رقابتی ناسالم بر جای می گذارند. اما از ماه مارس سال ۲۰۰۲ این نظام چند لایه تبدیل به یک نظام واحد تبدیل ارز بر مبنای نوسانات بازار شده است. نرخ رسمی در تاریخ ۴ مارس ۲۰۰۳، ۷،۹۷۰ ریال در ازای هر یک دلار بود. کردار ذیل نوسانات دلار آمریکا را از سپتامبر ۲۰۰۱ تا سپتامبر ۲۰۰۲ به نمایش می گذارد. با کمک صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی ایران قصد دارد تا در سال ۲۰۰۳ ریال را کاملاً قابل تبدیل به ارزهای دیگر کند.

Graph: Exchange Rate from 1 Mar 2002 – 1 Mar 2003



Source: Iran Financial Times

**نقدینگی:** بطور کلی سیاست پولی ایران بر مبنای مهار نقدینگی و در نتیجه کنترل تورم قرار گرفته است. به رغم رشد نقدینگی معادل ۱۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۱ بعنوان هدف، سلسله ای از عوامل، از جمله نیاز به رشد اقتصادی بیشتر از انتظار و تامین مالی منابع ریالی بودجه، نقدینگی به میزان ۲۸/۸ درصد در سال مورد نظر رشد کرد. هدف رشد نقدینگی در سال ۲۰۰۲ معادل ۱۵/۷ درصد است.

جدول ذیل نشان دهنده نقدینگی و عرضه پول (به میلیارد ریال) برای سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ می باشد:

جدول: نقدینگی

شرح	۲۰۰۰	۲۰۰۱
پول (M1)	۱۱۴ و ۴۲۰	۱۴۲ و ۹۵۷
اسکناس و سکه نزد مردم	۲۵ و ۱۵۸	۲۹ و ۱۸۸
سپرده های دیدرایی	۸۹ و ۲۶۲	۱۳۳ و ۷۶۸
شبه پول	۱۳۴ و ۶۹۰	۱۷۸ و ۰۰۰
سپرده های قرض الحسنه	۲۳ و ۰۱۴	۲۹ و ۸۴۸
سپرده های سرمایه گذاری مدت دار	۱۰۳ و ۳۴۶	۱۴۱ و ۶۶۰
کوتاه مدت	۵۰ و ۴۴۳	۶۶ و ۹۳۸
بلند مدت	۵۲ و ۹۲۱	۷ و ۴۸۳
سپرده های متفرقه	۹ و ۳۱۲	۷ و ۰۸۷
نقدینگی (M2)	۲۴۹ و ۱۱۱	۳۲۰ و ۹۵۷

منبع: بانک مرکزی

یارانه ها: با وجود اینکه دولت در کنترل قیمت‌ها نسبتاً موفق بوده است، یارانه ها بمبلغ ۵/۵ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی و ۱۰ میلیارد دلار برای انرژی در سال ۲۰۰۲ هنوز در سطح بالایی قرار دارند.

بودجه دولت: بودجه دولت (به میلیارد ریال) برای سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و بودجه برنامه ریزی شده برای سال ۲۰۰۲ در جدول ذیل نمایش داده شده اند:

جدول: بودجه دولت

شرح	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
	واقعی	واقعی	واقعی
درآمدها	۱۲۱ و ۲۲۲	۱۴۸ و ۱۹۶	۲۱۸ و ۲۱۶

۱۰۰ و ۰۶۰	۷۴ و ۹۵۷	۵۹ و ۴۴۹	نفت و گاز
۶۲ و ۴۱۶	۳۸ و ۷۹۷	۳۳ و ۲۹۸	مالیات
۲۲ و ۷۲۵	۱۱ و ۷۲۶	۱۱ و ۸۹۵	غیر مالیاتی
۳۲ و ۹۸۸	۲۲ و ۷۱۷	۱۶ و ۴۸۱	درآمد تخصیص یافته
۲۴۳ و ۴۲۴	۱۴۸ و ۹۸۳	۱۲۳ و ۸۴۶	هزینه و وام خالص
۱۵۵ و ۶۳۵	۱۰۲ و ۳۱۴	۸۳ و ۹۶۸	هزینه های جاری
۵۴ و ۹۸۷	۲۴ و ۰۸۸	۲۳ و ۵۶۰	هزینه های عمرانی
(۱۸۶)	(۱۳۶)	(۱۶۳)	وامهای خالص
۳۲ و ۹۸۸	۲۲ و ۷۱۷	۱۶ و ۴۸۱	هزینه تخصیص یافته
(۲۵ و ۱۰۹)	(۷۸۷)	(۲ و ۷۲۴)	کسری بودجه
۲۵ و ۲۰۹	۷۸۷	۲ و ۷۲۴	تامین مالی
۴۱۳	۱۲۰	۷۷	خارجی
۲۴ و ۷۹۶	۶۷۷	۲ و ۶۴۸	داخلی

منبع: بانک مرکزی

در تلاش جهت ارائه یک سیاست شفافتر پولی، بانک مرکزی ایران رد سال ۲۰۰۲ برای نخستین بار، بودجه را در انطباق با بسیاری از قواعد و استانداردهای صندوق بین المللی پول طراحی کرده است و تا سال ۲۰۰۲ بودجه استقراض داخلی از نظام بانکی، صدور اوراق مشارکت و پیش تامین مالی از طریق نفت به طور عمده مسئول جبران کسری بودجه بوده اند. عمده ترین منبع جهت جبران کسری بودجه در سال ۲۰۰۲ در حال حاضر صندوق ذخیره ارزی از منشاء نفت و درآمدهای حاصل از خصوصی سازی است.

**رتبه اعتباری:** در روز دهم ماه مه سال ۲۰۰۰ شرکت فیچ ریتینگر (بریتانیایی کییر) با مسئولیت محدود که موسسه ای بین المللی در درجه بندی اعتباری است، ارز خارجی بلند مدت را در جمهوری اسلامی ایران با رتبه B+ و ارز کوتاه مدت را B درجه بندی کرده است. این درجه بندیها به مسائل بدهی عمده پرداخت نشده ایران ارتباط می یابند. چشم انداز درجه

بندی در بلند مدت متوازن به نظر می رسد. آنچه در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته شده است به قرار ذیل است:

ایران یکی از تولید کنندگان عمده نفت در میان کشورهای جهان می باشد و اقتصاد ایران از افزایش قیمت در دو سال اخیر بسیار سود برده است. در سال ۲۰۰۱ تولید ناخالص ملی تقریباً به میزان ۵ درصد رشد کرد و حسابهای جاری و اضافات مالی به ترتیب ۵٪ و ۳٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهند. حساب جاری در طول ۷ تا ۸ سال اخیر افزایش یافته و به انباشتگی مداوم ذخایر ارز خارجی انجامیده است و تاسیس صندوق تعادلی نفتی (OSF) در سال ۲۰۰۰ و کاهش مداوم در بدهیهای ناخالص خارجی - تماماً دارای معنای درجه بندی مثبت می باشند. با وجود سهم آن در تولید ناخالص ملی (۷ درصد) و دریافت های ارز خارجی (CXR) ۲۸٪ بدهیهای خارجی ایران نه تنها با هم رتبهگانش به خوبی قابل مقایسه است، بلکه این امر در تمامی درجه بندیهای «فیچ» صادق بوده است. تنها تایوان (A+) دارای نسبت به تولید ناخالص ملی را ندارد. موقعیت ایران به عنوان یک بستانکار خالص خارجی نیز یکی دیگر از عناصر اساسی موفقیت نیرومند درجه بندی آن است و در مقایسه با کشورهای دیگر دارای کسری سرمایه گذاری در وضعیت بهتری قرار دارد. دست آخر، در یک گام عمده به جلو در فرایند اصلاحات اقتصادی، چندگانگی نرخ ارز در مارس ۲۰۰۲ از میان برداشته شده و جای خود را به یک نرخ واحد که به وسیله بازار درون بانکی تعیین می شود داد.

در مقابل این نیرومندیهای درجه بندی، ایران از نقطه نظر ساختار اقتصادی دارای رتبه ضعیفی است. کنترل دولت به بیشتر صنایع عمده شامل بانکها تسری می یابد، جایی که وام دادن به بخشهای ویژه سازگار با برنامه توسعه پنجساله نیز در نقشه کلی قرار دارند. نقش دولت همچنین در نظام گسترده یارانه مشخص است که این یارانه ها تقریباً ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی هر ساله برای دولت خرج بر می دارند. گرچه یکسان سازی نرخ ارز موجب کاهش یارانه ها و افزایش شفافیت مالی می شود. بخش نفت تولید کننده ۸۰ درصد درآمدهای صادراتی و ۵۰ درصد درآمد دولت است و این مساله به رغم صندوق فوق الذکر اقتصاد را در مقابل نوسانات نرخ ارز قرار می دهد. ذخایر ارزی رقمی معادل ۱۵ میلیارد دلار آمریکا و موجودی صندوق تعادل نفتی معادل با ۹ میلیارد دلار آمریکا ضربه گیر کوتاه مدت



واجد اندازه لازم را در بر می گیرند. تلاشهایی جهت تنوع بخشیدن نتایج اندکی به بار آورده و به نظر نمی رسد بدون سرمایه گذاری خارجی موفقیت آمیز باشد. در نهایت افزایش نیروی جمعیت نگاری نیاز به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع دارد که به نظر نمی رسد قابل دسترسی باشد.

درجه بندی های مستقل در درجه اول به وسیله تعامل عوامل پیچیده سیاسی بین المللی و داخلی محدود می گردند. ایران هم مرز چند کشور بالقوه بی ثبات جهان است و کشمکش در ژئوپلیتیک منطقه به طرزی استثنایی زیاد است - تنش درخاورمیانہ بویژه در ماههای اخیر افزایش یافته. نظریه فیچ را مبنی بر مسائل امنیت بین المللی و معافی آنان برای ایران غیر قابل پیش بینی و هر لحظه قابل تغییر است. علاوه بر آن، روابط با ایالات متحده که به تجربه های دو جانبه اقتصادی جدی خود ادامه می دهد در همسویی با شدت گیری درگیریهای فلسطینی و اسرائیلی ها و خیم تر شده است. گرچه نقاط نظر ایالات متحده در مورد ایران الزاماً با دیگر اعضای جامعه بین المللی یکی نیست، فیچ عقیده دارد که در وضعیت بین المللی ایران عنصری از خطر وجود دارد.

خطرات سیاسی داخلی حول و حوش گفتگوی فعال میان اصلاح طلبان و محافظه کاران در مورد میزان آزاد سازی اجتماعی، سیاسی و انتقالی دور می زند که باید درون جمهوری اسلامی ایران مورد حل و فصل قرار گیرد. با در نظر گرفتن اوضاع نابسامان منطقه ای و موضع ایالات متحده در قبال ایران فیچ بر این باور است که گفتگوهای اصلاح طلبانه تحت تاثیر تغییرات بین المللی قرار گرفته و درصد امکان موجب این خواهد شد که محافظه کاران حتی رویکردی با آشتی و سازش کمتر اتخاذ کنند و این امر این خطر را در بردارد که به اعتبارات خارجی نیز گسترش یابد. البته باید در نظر داشت که ایران دارای یک سیاست بین المللی تجاری مداوم بوده است که در آن بازپرداخت بدهی تحت تاثیر سیاستهای داخلی قرار نگرفته است. فیچ اعتقد ندارد که خطرات سیاسی داخلی در حال حاضر خطری برای رژیم باشد، اما نظر آن این است که اصلاحات در گفتمانهای گسترده تری گرفتار خواهد شد.

نخستین اوراق قرضه مستقل ایران به یورو به میزان ۶۲۵ میلیون که در جولای ۲۰۰۲ منتشر شد در تاریخ انتشار بهره ای معادل ۹۵/۸٪ داشت و بیش از ظرفیت متقاضی داشت. دومین اوراق قرضه به ارز یورو در دسامبر ۲۰۰۲ صادر شد، دارای کوپن ۷/۷۵٪ است.

در رابطه با موسسه اعتباری صادراتی (ECA) که تامین مالی را برعهده دارد، کلوب برن (که هماهنگ کننده سیاستهای تمامی ECA ها در منطقه OECD است) اخیراً ریسک ایران را از طبق بندی ۵ به ۴ تنزل داده است. (درجه بندی معادل ۷ نشان دهنده کشورهای با ریسک فوق العاده بالا هستند).

### قوانین حمایت از سرمایه گذاری خارجی

مجلس قانونگذاری در ایران آخرین نسخه یک قانون جدید سرمایه گذاری در ایران را تصویب کرد که در ۲۶ ماه ۲۰۰۲، قانون تشویق و حمایت سرمایه های خارجی (FIPPA) نام گرفت. تحت قانون FIPPA و مشابه قانون سرمایه گذاری پیشین، خطرات تجاری تحت پوشش قرار نمی گیرند اما هر گونه ملی شدن و مصادره شدن به وسیله دولت باز پرداخت خواهد شد. در برخی از موارد اگر عمل دولت موجب بروز اختلال در فعالیت کاری شود، دولت متعهد خواهد بود که پرداخت هر گونه اقساط وام را که سر رسید شده اند از جانب شرکت عامل پروژه پرداخت کند. این قانون همچنین گزینه های بیشتری برای خارج کردن سود، به ارز خارجی تجویز کرده و همراه با آن تعریف گسترده تری از سرمایه گذاری خارجی به دست داده است. برای نخستین بار برنامه های تامین مالی پروژه مانند موافقتنامه های بیع متقابل و پروژه های BOT (تنها هنگامی که به وضعیت راه اندازی رسیده باشند) به ویژه تحت قانون سرمایه گذاری خارجی جدید تحت پوشش قرار گرفته اند.

**شرایط تشویقی:** تحت این قانون هر شخص خارجی حقوقی یا حقیقی که شامل ایرانیان مقیم خارج نیز می گردند- که سرمایه وارد ایران کنند از سود و امتیازات ذیل بموجب این قانون بهره مند خواهند شد تا زمانی که:

- سرمایه گذاری به رشد اقتصادی بیانجامد، موجب پیشرفت فن آوری شود، کیفیت کالاها را بهبود بخشد، موجب افزایش اشتغال شود، بر صادرات بیافزاید و به ایران در ورود به بازارهای بین المللی کمک کند.

- سرمایه گذاری موجب به مخاطره انداختن امنیت ملی و منافع عامه مردم نشود و به محیط زیست آسیب نرساند و یا موجب اختلال در اقتصاد ملی نشود.

- سرمایه گذاری شامل حقوق ویژه ای که به ایجاد مونوپولی بیانجامد نباشد.

- نسبت ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط مجموعه سرمایه گذاری های خارجی از ۲۵ درصد هر بخش اقتصادی و ۳۵٪ هر زیر بخش اقتصادی تجاوز نکند.

- قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاریهای خارجی در عوض توجه به سرمایه گذار به منشاء کشور سرمایه گذار خارجی توجه خواهد داشت. تا جایی که سرمایه از منابع خارجی

تامین شود هر که آن را وارد کند تحت حمایت این قانون قرار می گیرد و این مساله شامل ایرانیان مقیم خارج نیز می شود.

**تعریف سرمایه خارجی:** برای مقاصد قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، سرمایه خارجی به صورت ذیل تعریف شده است:

- منابع نقدی که از طریق ارز قابل تبدیل از طریق نظام بانکی ایران یا دیگر راههای تایید شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وارد کشور شوند.
- تجهیزات و ماشین آلات
- ابزار آلات و لوازم یدکی، مواد اولیه قطعات تولیدی، افزودنی ها و مواد کمکی.
- حقوق اختراع، دانش فنی، نامهای تجاری، علاتمهای تجاری و خدمات تخصصی.
- سهم بستانکاری قابل جابجایی موجودی متعلق به سرمایه گذار خارجی.
- سایر موارد مجاز با تایید هیئت وزیران.

**انواع سرمایه گذاری خارجی:** قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی از دو نوع سرمایه گذاری ذیل حفاظت می کند. اینان عبارتند از:

- سرمایه گذاری خارجی مستقیم در زمینه هایی که برای فعالیت بخش خصوصی آماده اند.
- سرمایه گذاری خارجی در تمامی بخشها درون برنامه « مشارکت مدنی » بیع متقابل و BOT که در صورتی قابل انتقال خواهند بود که میزان اصل و سود حاصله به تنهایی از فعالیتهای پروژه سرمایه گذاری حاصل شده باشد و بر هیچ ضمانتی از جانب دولت، شرکتهای دولتی و یا بانکها متکی نباشد.

**حفاظتهای موجود:** هنگامی که یک سرمایه گذاری تحت قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی به ثبت رسید مجوز آن صادر شد، از محافظت کامل قانون بهره مند خواهد بود و این محافظت شامل ضمانت دولتی در صورت ملی شدن یا مصادره نیز می باشد. ماده ۹ این قانون به شرح ذیل است:

سرمایه گذاری خارجی را نمی توان سلب مالکیت و یا ملی کرد مگر اینکه این کار به نفع عموم مردم باشد که در آن صورت نیز پس از طی از مراحل قانونی به شیوه غیر تبعیضی و بر مبنای پرداخت غرامت مناسب بر اساس ارزش واقعی سرمایه گذاری، بلافاصله پیش از مصادره صورت خواهد گرفت.

همچنانکه در بالا ذکر شد جبران و یا غرامت باید بر مبنای ارزش واقعی سرمایه گذاری باشد که شامل جزئیات نحوه تعیین میزان غرامت در قانون گنجانده شده است. این روش، تغییر عمده ای از LAPEL پیشین است که غرامت عادلانه را مطرح می ساخت که در آن راه را برای اعمال غیر عینی و دلبخواه باز می گذاشت.

محافظت جدیدی که در این قانون پیش بینی شده است غرامت اختلال در کسب و کار از جانب دولت است، اگر دولت مستوجب چنین اختلالاتی باشد. در این رابطه FIPPA موارد ذیل را عرضه می دارد:

در مورد سرمایه گذاریهای مشمول بند (ب) ماده ۳ قانون فوق (یعنی مشارکت مدنی، بیع متقابل Buy Back یا خرید مجدد و BOT تشریح شده در بالا) اگر قوانین و مقررات دولتی به ممنوعیت و یا توقف موافقتنامه های مالی تایی شده بیانجامد، آنگاه دولت خسارات مربوطه را تا سقف سررسید شده و اقساط سررسید شده خواهد پرداخت. حدود تعهدات بازپرداختی به موجب این قانون توسط هیات وزیران تایید خواهد شد.

این بدین معناست که اگر عملی از دولت سر بزند که در فعالیتهای شرکت سرمایه گذار اختلال ایجاد کند، تا زمانی که اختلال فوق الذکر ادامه یابد، دولت باید اقساط بدهی ها را بپردازد. باید توجه داشت که این مساله شامل خطرات تجاری و یا تغییرات در قانون که موجب کاهش سودآوری سرمایه گذاری شود نخواهد شد. همچنین محافظت تحت این قانون شامل موارد سرمایه گذاری مستقیم خارجی نمی شود لیکن موارد تامین مالی پروژه را شامل می شود. یک مثال از این نوع محافظت بدین صورت است که مثلاً دولت عرضه گاز را به یک نیروگاه تحت مالکیت خصوصی را قطع کند و در نتیجه تولید متوقف شود. در طول این دوره (توقف تولید) دولت متعهد به پرداخت اقساط وام نیروگاه مربوطه می شود.

آخر این که قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاریهای برای اولین بار- با برخی استثناءها- حل اختلافات را به مقاماتی به جز دادگاههای ایرانی محول کرده است. ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه های خارجی عبارتست از: هر گونه اختلاف که میان سرمایه گذاران خارجی و دولت بر سر تعهدات دو طرفه در چهارچوب سرمایه گذاریهای مشروح در این قانون که نتوان آن را با مذاکره حل و فصل کرد به وسیله دادگاههای داخلی مورد بررسی

قرار می گیرند مگر شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات در موافقتنامه قانون سرمایه گذاری دو جانبه با دولت کشور سرمایه گذار خارجی مورد توافق قرار گرفته باشد.

بر اساس موارد فوق الذکر سرمایه گذار خارجی تنها در زمانی می تواند تقاضای داوری یا حکمیت کند که پیمان سرمایه گذاری دو جانبه میان ایران و کشور سرمایه گذار خارجی وجود داشته باشد. این مورد همچنین شامل محدودیت موجود در اصل ۱۳۹ قانون اساسی می شود که داوری از طرف دولت و یا نمایندگان آن تنها با مجوز مجلس قابل حصول است.

**صدور سرمایه:** قانون تشویق و حمایت سرمایه های خارجی به سرمایه گذار خارجی اجازه می دهد که اصل سرمایه و یا سود حاصله را به ارز خارجی از مملکت خارج کند. ماده ۱۳ این قانون چنین بیان می کند: اصل و سود سرمایه خارجی به هر میزانی از سرمایه که در ایران باقیمانده باشد طی یک اعلامیه سه ماهه به هیات مدیره و براساس پرداخت کلیه تعهدات معوقه، پرداخت کسورات قانونی و تایید هیات مدیره و تصویب وزیر امور اقتصاد و دارایی می تواند از ایران خارج شود. بنابراین، سرمایه گذار خارجی حق خواهد داشت که تمامی سود حاصله از سرمایه گذاری به انضمام اصل سرمایه که وارد ایران کرده است را به ارز خارجی انتقال دهد.